

مقایسه «نقل قول مستقیم» و «غیرمستقیم» در زبان فرانسه و فارسی

خانم دکتر شهناز شاهین
دانشگاه تهران

Abstract

Au cours de l'enseignement de la grammaire comparée ainsi que certains cours de traduction, je me suis rendu compte que les étudiants ont du mal à remplacer le discours direct en indirect et vice versa, à reconnaître le discours indirect libre ou à traduire ces mêmes discours. C'est pourquoi j'ai voulu entreprendre une comparaison entre les divers discours et signaler leurs ressemblances et leurs différences dans les deux langues française et persane. J'espère que les étudiants et les professeurs des lycées pourront en tirer profit.

مقدمه

به عمل آوریم و به شباهت‌ها و تفاوت‌های موجود در دو زبان اشاره کنیم. مثال‌ها را نیز هم از زبان محاوره‌ای و هم بیشتر از زبان ادبی اختیار کرده‌ایم. باشد که مورد استفاده دانشجویان و دبیران محترم قرار گیرد.

واژه‌های کلیدی: گفتار، انواع نقل قول، سبک، ادب، قید، وجه امری، جمله پرسشی، وجه شرطی، ترجمه، شباهت، تفاوت

به هنگام تدریس دستور زبان مقایسه‌ای (در نیمسال چهارم دوره لیسانس زبان و ادبیات فرانسه) و برخی دروس ترجمه مانند ترجمه متون گوناگون یا ترجمه متون نظم و نثر، به تجربه متوجه شده‌ایم که دانشجویان، برای تبدیل نقل قول مستقیم به غیرمستقیم و بالعکس، و ترجمه این جمله‌ها، دچار مشکلاتی می‌شوند. یکی از دلایل آن هم این است که ساختار نقل قول‌ها همیشه در دو زبان فارسی و فرانسه یکسان نیست. به همین خاطر بر آن شدیم که در این مقاله مقایسه‌ای میان انواع نقل قول

- a- Le renard dit au bouc: Que ferons-nous compère?
- b- Sire, dit le renard, vous êtes trop bon roi.
- c- N'ai-je pas bien servi dans cette occasion?
- Dit l'âne.

گاهی در گفتار مستقیم گیومه حذف می شود:

_ Comment vas-tu? Demanda Chick.

_ Et toi? Répliqua Colin (...)

_ Ton nouveau cuisinier?

_ Oui, dit Colin.

(*Ecume des jours*, Boris Vian)

در نمایشنامه بیش از انواع دیگر ادبی از گفتار مستقیم استفاده می شود؛ ولی همان طور که مشاهده شد، این سبک نگارش در شعر و رمان نیز کاربرد دارد.

Estragon: Où irons-nous

Vladimir: Pas loin.

Estragon: Pourquoi?

Vladimir: Il faut revenir demain.

Estragon: Pour quoi faire?

Vladimir: Attendre Godot.

(Beckett, *En Attendant Godot*, Acte II.)

در گفتار مستقیم قرار بر این است که سخن گوینده اول، کلمه به کلمه نقل شود؛ اما حفظ امانت در نقل قول گاهی ظاهری می نماید و به گفته ژنت^۱ به جای نقل کلمه به کلمه، به نقل مفاد سخن بسنده می شود.

در زبان و ادب فارسی، نقل قول مستقیم را شاعران و نثرنویسان، بسیار به کار برده اند. در مناظره خسرو با فرهاد می خوانیم:

بگفتا: عشق شیرین بر تو چون است؟

بگفت: از جان شیرینم فزون است

بگفتا: دل زمهرش کی کنی پاک؟

بگفت: آنکه که باشم خفته در خاک

نظامی گنجوی^۲

معمولاً در گفتاری که نقل می شود، سه نفر دخالت دارند. ابتدا کسی سخن می گوید (نفر اول)، کسی آن سخن را می شنود (نفر دوم) و برای دیگری (نفر سوم) بازگو می کند. نفر اول را می توان گوینده اول، نفر دوم را که هم شنونده خیر است و هم گوینده آن، گوینده دوم، و نفر سوم را که دریافت کننده خبر است، شنونده یا مخاطب خواند. در واقع، گوینده دوم نقش سخنگوی گوینده اول را برعهده می گیرد.

نقل گفتار ممکن است به سه شکل صورت گیرد:

● گفتار مستقیم (DD) Discours direct

● گفتار غیرمستقیم (DI) Discours indirect

● گفتار غیرمستقیم آزاد (DIL) Discours indirect libre

اینک، هریک از این شکل ها را جداگانه توضیح می دهیم و مثال هایی از زبان و ادب فرانسه و فارسی ارائه می کنیم تا تفاوت این گفتارها در دو زبان آشکار شود.

۱. گفتار مستقیم

در گفتار مستقیم، روایتگر طوری سخن را نقل می کند که گویی کلام بر زبان رانده شده، مستقیماً از دهان گوینده اول شنیده می شود؛ مثال:

ژان به پل گفت: «چه کار کنیم؟»

Jean dit à Paul: "Paul, qu' allons-nous faire?"

پل پاسخ داد: «تیس بازی کنیم.»

Paul répondit: "Nous allons jouer au tennis."

مثال بالا، نمونه ای ساده از گفتار مستقیم است که تمام مشخصه های لازم این گفتار را دارد:

الف: گوینده عیناً کلام شخصیت ها را بازگو می کند و دو فعل گفتن (dit) و پاسخ دادن (répondit) را به کار می برد.

ب: امروزه گفتاری که مستقیم خوانده می شود، بین گیومه قرار دارد، لیکن در متون فرانسه قبل از قرن نوزدهم، گیومه بدین منظور به کار نمی رفت.^۱

ج: بین جمله اول و دوم مکثی وجود دارد که با نشانه دو نقطه مشخص شده است.

البته ترتیب این دو جمله همیشه یکسان نیست و جمله ای که هویت گوینده اول را مشخص می سازد، ممکن است در ابتدا، در وسط، یا در آخر گفتار قرار گیرد. در سه مثال زیر از لافوتن، جایگاه مختلف این جمله بروشنی دیده می شود:

یا در دو بیت زیر که پرسشی مستقیم درباره شعر و شاعری در میان است:

شعر دانی چیست؟ مرواریدی از دریای عقل
شاعر، آن افسونگری کاین طرفه مروارید سفت
صنعت و سجع و قوافی، هست نظم و نیست شعر
کای بسا ناظم که نظمش نیست الا حرف مُفت
ملک الشعراء بهار^۶

سعدی می فرماید:

«گفتم مذمت اینان روا مدار. که خداوند کر مند، گفت غلط
گفتی که بنده درمند.»^۷
در نثر بالا، دوبار حرف «که» برای بیان علت و دلیل آمده است.

در شاهنامه که اثری است حماسی و «انواع دیگر ادب یعنی ادبیات تعلیمی، غنائی و نمایشی را در بر دارد»^۸، می خوانیم که وقتی شاه مکران کشته می شود، «کیخسرو فرمان می دهد که پیکر او را به آیین شاهانه بشویند و در دخمه گذارند»^۹:

یکی گفت: «شاهها سرش را بریم
بدو گفت: زشت اندرو ننگریم
سر شهریاران که بر د زتن؟
مگر تیره از تخمه اهرمن
یکی دخمه سازید مشک و گلاب
چنان چون بود شاه را جای خواب
برهنه نباید که گردد تنش
بر آن هم نشان خسته در جوشنش
پوشید رویش به دیبای چین
که مرگ بزرگان بود این چنین

همان طور که مشاهده شد، در مثال های فارسی اغلب از نشانه های دو نقطه و گیومه استفاده نشده است؛ زیرا اکثر این نشانه ها، در زبان فارسی سابقه استعمال چندانی ندارد و مربوط می شود «به بعد از دوران آشنایی ایرانیان با نوشته های مغرب زمین، بویژه پس از انقلاب مشروطیت»^۷.

در قطعه بعد، شاعر پرسشی منفی مطرح می سازد: «نشیده ای»، سپس حکایت خودپسندی کدوین و گفت و گویش

را با چنار نقل می کند. حکایتی که قرن ها بعد، شبیه به آن در آثار لافونتنن به چشم می خورد و بلوط برنی فخر می فروشد.^۸

نشیده ای که زیر چناری کدو بنی
بر رست و بر دوید بر او بر، به روز بیست
پرسید از آن چنار که: «تو چند روزه ای؟»
گفتا چنار: «سال مرا بیش تر زمی است.»
خندید پس بدو که «من از تو، به بیست روز
برتر شدم، بگوی که این کاهلیت چیست؟»
او را چنار گفت که: «امروزه ای کدو
با تو مرا هنوز نه هنگام داوری است
فردا که بر من و تو وزد باد مهرگان
آنگه شود پدیده که از ما دو، مرد کیست.»

ناصر خسرو^۹

یا در گفت و شنودی از خواجوی کرمانی^{۱۰} می خوانیم:
گفتا تو از کجایی کاشفته می نمایی؟
گفتم منم غریبی از شهر آشنایی
گفتا کدام مرغی کز این مقام خوانی؟
گفتم که خوش نوایی از باغ بینوایی
گفتا به دلربایی ما را چگونه دیدی؟
گفتم چو خرمنی گل در بزم دلربایی

در پایان این بخش، لطیفه ای را از مولانا نقل می کنیم که مردی با گوش سنگین به دیدار همسایه بیمار خود می رود و آنچه را پیش خود آماده کرده است، در پاسخ بیمار به زبان می آورد:

گفت: چو نی؟ گفت مُردم. گفت: شکر

...

بعد از آن گفتش: چه خوردی؟ گفت: زهر
گفت نوشت، همه. افزون گشت قهر
بعد از آن گفت: از طیبیان کیست او
کو همی آید به چاره پیش تو؟
گفت: عزرائیل می آید. برو.
گفت: پایش بس مبارک. شاد شو.

مولوی^{۱۱}

حال که در نمونه هایی از ادب فارسی، نقل قول مستقیم را در گفت و شنودها مشاهده کردیم، در بخش دوم به نقل قول غیر مستقیم می پردازیم.

۲. گفتار غیر مستقیم

در گفتار غیر مستقیم، سخن نقل شده استقلال ساختاری و بیانی خود را از دست می دهد و روایتگر به جای نقل قول آن چیزی که شنیده است، «جوهر مطلب را منتقل می سازد.»^{۱۲} در این گفتار، نشانه های دو نقطه و گیومه حذف می شود و تغییراتی در اجزای جمله، در ضمایر و زمان افعال داده می شود و گاه نظر یا احساس گوینده را نیز منعکس می کند.

الف: مطابقت زمان افعال

● جمله پرسشی مستقیم

جمله پرسشی مستقیم به دو شیوه در زبان فرانسه ساخته می شود:

● با استفاده از Est - ce que

Est-ce que Jean reviendra?

ژان دوباره می آید؟ (محاوره ای)

● با جابه جایی فعل و فاعل

Jean reviendra - t - il?

آیا ژان باز خواهد گشت؟ (نوشتاری)

اما همین جمله در پرسش غیر مستقیم، لحن پرسشی خود را از دست می دهد:

Hélène veut savoir si Jean reviendrait.

هلن می خواهد بداند (آیا) ژان بر خواهد گشت.

مدرسان و زبان آموزان محترم توجه دارند که در جمله اوگ *reviendra* به زمان آینده (*futur*) آمده و در جمله دوم *reviendrait* به زمان آینده در گذشته (*futur dans le passé*) که همان مضارع شرطی می باشد، آمده است؛ لیکن هر دو را در فارسی به مضارع اخباری (می آید) یا به مستقبل (بر خواهد گشت) ترجمه می کنیم؛ زیرا همان طور که می دانیم و دکتر خانلری نیز تأکید کرده است: «در فارسی امروز برای فعل شرطی صیغه خاصی نیست.»^{۱۳}

ضمناً چنان که در پرسش مستقیم یکی از دو حالت زیر وجود داشته باشد:

Qu'est-ce qui est arrivé à Pierre?

بر سر پی بر چه آمده است؟

Qu'est-ce que tu vois?

تو چه می بینی؟

در پرسش غیر مستقیم، لفظ *Qu'est* حذف می شود.

Je me demande ce qui est arrivé à Pierre.

از خود می پرسم چه بر سر پی بر آمده است.

Je me demande ce que tu vois.

از خود می پرسم تو چه می بینی.

و همان طور که مشاهده می شود، در ترجمه فارسی برای این دو نوع پرسش، تفاوتی قائل نیستیم و تنها لحن گفتار تغییر می کند.

● جمله امری

در زبان فرانسه، در گفتار غیر مستقیم وجه امری تبدیل به وجه مصدری یا التزامی می شود؛ ولی در فارسی تغییری نمی یابد.

Sortez! بروید بیرون، خارج شوید

Roxane ordonna à Bajazet de sortir.

رکسان به بازید دستور داد خارج شود.

Enfermez-le حبشش کنید!

Il commanda de l'enfermer (ou: qu'on

l'enfermât).

دستور داد که حبشش کنند.

● وقتی فعل جمله پایه به یکی از زمان های گذشته باشد، فعل جمله پیرو بر مبنای رابطه اش با لحظه ادای کلام و لحظه نقل آن تغییر می کند:

● جمله خبری

در گفتار مستقیم

Il a dit:	$\left. \begin{array}{l} \text{"Je suis parti"} \\ \text{"Je pars"} \\ \text{"Je partirai"} \end{array} \right\}$	رفتم	گفت:
		می روم	
		خواهم رفت	

در گفتار غیر مستقیم

Il a dit:	$\left. \begin{array}{l} \text{qu'il était parti} \\ \text{qu'il partait} \\ \text{qu'il partirait} \end{array} \right\}$	که رفته بود	گفت:
		که می رفت	
		که می رود، که خواهد رفت	

گاه گفتی بیا و رود بز
 گاه گفتی بیا و شعر بخوان
 برای ترجمه شعر بالا به زبان فرانسه وجه امری «بیا، رود
 بز، شعر بخوان» را به وجه مصدری برمی گردانیم:

Le roi de l'univers me chérissant,
 M' appelait jour et nuit, constamment,
 Parfois, me demandait de jouer de la musique,
 Et parfois, de lui réciter quelques chansons.

– گاهی در گفتار غیر مستقیم، ضمیر سوم شخص جایگزین
 ضمیر اول شخص می شود:

Pourquoi me poursuit-on?

چرا مرا تعقیب می کنند؟

Il demanda pourquoi on le poursuivait.

پرسید چرا او را تعقیب می کردند.
 معمولاً در زبان فارسی ضمیر به صورت اول شخص باقی
 می ماند: پرسید چرا مرا تعقیب می کنند.
 لیکن در دنباله این شعر سعدی که با نقل قولی مستقیم آغاز
 می شود:

شبی یاد دارم که چشمم نخفت
 شنیدم که پروانه با شمع گفت:
 که من عاشقم، گر بسوزم رواست
 تو را گریه و سوز، باری چراست؟

Une nuit ne pouvant dormir, je m'en souviens,
 J' ouïs le papillon disant à la chandelle:
 "Je t'aime; que je sois consumé, c'est logique;
 mais de ta part, pourquoi ces plaintes, cette
 ardeur?"¹⁵

می خوانیم:
 همی گفت و هر لحظه سیلاب درد
 فرو می دودش به رخسار زرد.

به این ترتیب در جمله خبری، به غیر از جمله آخر که در
 زبان فرانسه به زمان مضارع شرطی آمده، و در زبان فارسی، به
 جای آن، از مضارع اخباری یا مستقبل استفاده شده است، سایر
 زمان ها معادل فارسی دارند.

ب: جا به جایی ضمائر شخصی
 – وقتی گوینده کلام خود را نقل می کند، جا به جایی صورت
 نمی گیرد:

J' ai dit que je viendrai.

گفتم که می آیم.
 – وقتی گوینده، کلام شخص ثالثی را نقل می کند، از ضمیر
 سوم شخص استفاده می شود:

Il a dit qu' il viendrait.

گفت که می آید.
 – وقتی شنونده نیز در گفتار نقل شده منظور شده باشد، از
 دو نوع ضمیر دوم و سوم شخص استفاده می شود.
 Elle a dit qu' elle te remerciait pour ton cadeau.
 گفت که به خاطر هدیه ات از تو تشکر می کند.
 – لیکن معمولاً ضمیر سوم شخص جایگزین ضمیر دوم
 شخص می شود.

J'ai dit: {
 "Je t'ai connu" (تو را شناخته ام (ماضی)
 "Je te connais" (تو را می شناسم (مضارع)
 "Je te connaîtrai" (تو را خواهم شناخت (مستقبل)
 که در گفتار غیر مستقیم به این ترتیب می آید:

J'ai dit que	Antériorité	Simultanéité	Postériorité
	je l'avais connu	je le connaissais	je le connaîtrais

او را خواهم شناخت | او را می شناختم | او را (خوب) شناخته بودم

ولی در فارسی در نقل قول غیر مستقیم نیز اغلب از همان
 ضمیر دوم شخص استفاده می شود. مثلاً می گوئیم: به او گفتم
 (یا بهش گفتم) خوب می شناسمت (به جای: به او گفتم خوب
 می شناختمش). فرخی^{۱۶} می گفت:
 شاه گیتی مرا گرامی داشت
 نام من داشت روز و شب به زبان

Tandis qu'elle parlait, un torrent douloureux de pleurs se répandait sur son visage pâle.¹⁶

و برای رخسار زرد شمع، از ضمیر سوم شخص «ش» استفاده شده است.

ج: قیدها

در زبان فرانسه برخی از قیدها در گفتار غیر مستقیم تغییر می‌کنند:

Je suis arrivé hier.

دیروز رسیدم.

On disait qu'il était arrivé la veille.

می‌گفتند که روز پیش رسیده است (می‌گفتند که دیروز رسیده است).

Je partirai aujourd'hui.

امروز می‌روم.

Il disait qu'il partirait ce jour-là.

می‌گفت که آن روز می‌رود (می‌گفت که امروز می‌رود).

Nous irons au musée demain.

فردا به موزه می‌رویم.

Il disait qu'ils iraient au musée le lendemain.

می‌گفت که فردای آن روز به موزه خواهند رفت (می‌گفت که فردا به موزه می‌روند).

Nous achèterons notre appartement jeudi prochain.

آپارتمان خود را پنجشنبه آینده می‌خریم.

Il disait qu'ils achèteraient leur appartement le jeudi suivant.

می‌گفت که آپارتمان خود را پنجشنبه بعد خواهند خرید (می‌گفت که آپارتمان خود را پنجشنبه آینده می‌خرند).

همان‌طور که بین پرانتز مشخص کرده ایم، در فارسی معمولاً قیدها در نقل قول غیر مستقیم بدون تغییر باقی می‌مانند. در مثال زیر نیز که از صادق هدایت است، می‌بینیم که در

گفتار غیر مستقیم، قید «امروز» به کار رفته است و نه کلمه «آن روز» که در زبان فرانسه به کار می‌رود:

«همایون بازن جوان و دختر کوچکش هما در اتاق سردستی خودشان جلو بخاری نشسته بودند؛ ولی برخلاف معمول که روز جمعه در این اتاق خنده و شادی فرمانروایی داشت، امروز همه آن‌ها افسرده و خاموش بودند. حتی دختر کوچکشان که آن قدر مجلس گرمی می‌کرد، امروز عروسک گچی خود را با صورت شکسته پهلوش گذاشته مات و پکر به بیرون نگاه می‌کرد.»^{۱۷}

* حال در نوع سوم نقل قول، که شامل نقل قول مستقیم آزاد است، آمیخته‌ای از دو نقل قول مستقیم و غیر مستقیم را مشاهده می‌کنیم.

۳. گفتار مستقیم آزاد

هنگامی که نقل قول مستقیم به صورت مستقل آورده شود، و از نقل قول غیر مستقیم، فعل dire و حرف que حذف گردد، گفتار مستقیم آزاد پدیدار می‌شود. البته این نوع گفتار، از سبکی کاملاً ادبی برخوردار است^{۱۸} و در کتاب‌های دستور زبان فرانسه که به مسائل زبان‌شناسی می‌پردازند، جایی ندارد.

باید خاطر نشان ساخت که این شیوه نوشتار در آثار Lafontaine و روسو وجود دارد، ولی بیش‌تر در متون روایی و در داستان‌های «فلویر و زولا در قرن نوزدهم به کار رفته». ^{۱۹} در قرن بیستم نیز بسیاری از نویسندگان همچون موریاک، آراگون، یونسکو که از این سبک ادبی استقبال کرده‌اند.

“Brigitte ouvrit la porte du petit salon et nous appela: **Ne voulions-nous pas un peu de thé? Cela nous réchaufferait après cette course.**”

(Fr. Mauriac La Pharisienne)²⁰

در مثال بالا موریاک می‌نویسد:

«بریتیت در سالن را باز کرد و ما را صدا زد: [مگر] چای نمی‌خواستیم بخوریم؟ بعد از این مسابقه، چای ما را گرم می‌کرد.» چنانکه مشاهده می‌شود، در این مثال، نویسنده هم از دو نقطه و علامت سؤال که نشانه نقل قول مستقیم است استفاده کرده و هم به جای پرسش مستقیم: «چای نمی‌خواهید بخورید؟» از پرسش غیر مستقیم: «چای نمی‌خواستیم

بخوریم؟» استفاده کرده است.

سبک غیر مستقیم آزاد به نویسنده امکان می دهد تا نظر خود را با نظر شخصیتی که گفتارش را نقل می کند، در هم آمیزد و مسائل ظریف خوانش و تغییر متن را به وجود آورد.

«Il fut tiré de sa rêverie par la sonnerie du téléphone. C'était Barbantane. Il demandait à Aurélien d'accompagner ces dames au casino de Paris. La loge était prise, et puis à la dernière minute, lui, devait se rendre ailleurs; si Leurtillois n'était pas libre, Blanchette et Bérénice n'iraient pas, parce que deux femmes seules... Mais Aurélien était libre.»

(Aragon)²¹

در مثال بالا آراگون چنین می نویسد:

«صدای زنگ تلفن رشته رویاهایش را پاره کرد. باربانتان بود. از اورلین می خواست، خانمها را تا «کازینو دو پاری» همراهی کند. لژ مخصوص را گرفته بودند، اما در آخرین لحظه، او می بایست جای دیگری برود؛ اگر لرتی یوا وقت نداشت، بلانشت و برنیس هم نمی رفتند، چرا که دوزن تنها... ولی اورلین وقت داشت.

لازم به ذکر است که در نمایشنامه کم تر از شعر و داستان، نقل قول غیر مستقیم به کار می رود. لیکن این سبک در کرگدن اثر یونسکو در کنار نقل قول مستقیم مشاهده می شود:

«Il n'y a pas d'autre solution que de les convaincre, les convaincre, de quoi, de quoi? Et les mutations sont-elles réversibles? Hein, sont-elles réversibles? Ce serait un travail d'Hercule, au-dessus de mes forces. D'abord, pour les convaincre, il faut leur parler. Pour leur parler, il faut que j'apprenne leur langue.

(Rhinocéros, Acte III)

یونسکو می نویسد:

«تنها راه حلی که مانده، این است که آنها را قانع کنم، قانع

کنم، ولی چطور، چطور؟ آیا تغییر شکل قابل بازگشت است؟ چه گفتید، قابل بازگشت است؟ این کار، بیشتر از توان من است، کار هر کول است. اولاً برای قانع کردن آنها، باید با آنها حرف زد. برای حرف زدن با آنها هم باید زبانشان را یاد بگیرم.»
چنین می توان نتیجه گرفت که در سبک غیر مستقیم آزاد، ویژگی های گفتار مستقیم و غیر مستقیم در هم می آمیزند، چرا که همچون در گفتار مستقیم؛ جمله ها مستقل اند و غالباً فاقد گیومه، دو نقطه و جمله بیانگر؛ ولی گاه از نشانه های تعجب یا پرسش در آن ها استفاده شده است. همچنین همانند گفتار غیر مستقیم، در این سبک، زمان افعال و ضمائر شخصی تغییر می یابند و این امر باعث می شود که گفتار نقل شده، کاملاً در دل روایت جا گیرد.

در ادب فارسی نیز نمونه های بی شماری می توان از این سبک یافت. در مثال زیر «به دیدنت» حاکی از نقل قول مستقیم و «به خوابش» نشانه گفتار غیر مستقیم است.
در دیده به جای خواب، آب است مرا
زیرا که به دیدنت شتاب است مرا
گویند بخواب تا به خوابش بینی
ای بی خیران! چه جای خواب است مرا

ابوسعید

J'ai perdu le sommeil, mais j'ai des larmes dans les yeux

Parce que j'ai hâte de te revoir plus tôt;

Essaie de dormir, me dit-on, pour la voir dans ton rêve,

O ignorants! Comment pourrai-je fermer la paupière?

تو پای به راه در نه و هیچ مپرس
خود راه بگویدت که چون باید رفت

(عطار)

Mets- toi en route et ne pose aucune question, (DD)

La route, elle- même te dira comment il faut aller. (Interrogation indirect)

مثالی نیز از نثر خواجه نظام الملک طوسی می خوانیم:

سلطان ابراهیم ... گفت: چرا نان تنگ کرده اید؟ گفتند هر باری که گندم و آرد در این شهر می آورند، نانوائی تو می خورد و در انبار می کند و می گوید: «فرمان چنین است! و ما را نمی گذارد که یک من بار بخریم.» سلطان بفرمود تا خباز خاص را بیاوردند و در زیر پای قیل افکندند. (سیاست نامه)^{۲۲}
در جمله اول پرسش، مستقیم است:

Le sultan Ibrahim demanda: "Pourquoi avez-vous diminué le pain?" (Inter.D.)

و در جمله آخر نقل قول، غیر مستقیم:

Le sultan ordonna d'amener son propre boulanger, et le fit jeter sous les pieds d'un éléphant. (DI)

آخرین مثال این بخش را از میان طنزهای عبید زاکانی انتخاب کرده ایم. سه جمله اول، نقل قول غیر مستقیم و «گفت: نیک است، ...» نقل قول مستقیم است.

«شخصی خانه کرایه گرفته بود. چوب های سقفش بسیار صدا می کرد. به خداوند خانه از بهر مرمت زبان بگشاد. پاسخ داد که چوب های سقف، ذکر خداوند می کنند. گفت: نیک است، اما می ترسم این ذکر منجر به سجود شود.»

عبید زاکانی^{۲۳}

Quelqu'un avait loué une maison dont les solives du plafond faisaient beaucoup de bruits. Il a demandé au propriétaire de les réparer. Les solives invoquent Dieu, répondit ce dernier. C'est bien, reprit le locataire, mais je crains que cette invocation n'ait pour effet le prosternement!

حال که به پایان این مقاله رسیده ایم، جمع بندی کوتاهی از نقل قول مستقیم و غیر مستقیم در دو زبان فرانسه و فارسی به دست می دهیم.

● در زبان فرانسه و فارسی گفتار مستقیم و غیر مستقیم هم در

محاوره و هم در نوشتار به کار می آیند و از گفتار غیر مستقیم آزاد نیز در هر دو زبان در متون ادبی استفاده می شود.

● استفاده از گیومه در گفتار مستقیم، در زبان فرانسه از قرن نوزدهم به بعد و در زبان فارسی پس از انقلاب مشروطیت و آشنایی ایرانیان با نوشته های غرب، باب شده است.

● به جای زمان گذشته در آینده در گفتار غیر مستقیم، در ترجمه به فارسی، از مضارع اخباری یا مستقبل استفاده می کنیم و در جمله های امری و برخی جمله های پرسشی تغییری نمی دهیم.

● در زبان فرانسه برای تبدیل گفتار مستقیم به غیر مستقیم، در بعضی موارد ضمایر شخصی اول و دوم شخص را به سوم شخص تغییر می دهند؛ ولی معمولاً در زبان فارسی این ضمائر بدون تغییر باقی می مانند.

سرانجام، سخن را با قطعه شعری از زنده یاد فریدون مشیری به پایان می بریم که در آن، از گفتار غیر مستقیم آزاد بهره می گیرد. وی در پی سخن دکارت که می گفت: «فکر می کنم، پس هستم» و سخن کامو که می گفت: «طغیان می کنم، پس هستم»، می گوید: «مهر می ورزیم، پس هستیم».

جام دریا از شراب بوسه خورشید لبریز است،
جنگل شب تا سحر تن شسته در باران،
خیال انگیز!
ما، به قدر جام چشمان خود، از افسون این خمخانه سرمستیم
در من این احساس:

مهر می ورزیم،
پس هستیم!

مهر می ورزیم!^{۲۴}

La coupe de la mer déborde de vin et du baiser du soleil,

La forêt de la nuit s'est lavée dans la pluie, jusqu'à l'aube,

Merveilleux!

Nous Sommes enn [ennivrés] ivrés de la magie de cette cave, à la mesure de la coupe de nos yeux.

En moi cette sensation:

- professeurs..., Jacques Houyvet, ellipses, 1996, p. 203.
19. Grammaire systématique de la langue française, Christian Baylon, Nathan, 1995, p. 231.
20. in Le bon usage, op. cit., p. 1138
21. in Grammaire méthodique, op. cit. p. 601.

۲۲. زبان و ادب فارسی ...، ص ۱۱۲
۲۳. همان، ص ۶۶
۲۴. یک آسمان پرنده، انتشارات دنیای کتاب، ۱۳۷۶، ص ۱۳۱

BIBLIOGRAPHIE

1. Anthologie de la poésie persane, Z.Safâ, textes traduits par G. Lazard,... et H.Massé, Gallimard, 1964.
2. Grammaire française, Le bon usage, Maurice Grevisse, Duculot, 1969
3. Grammaire méthodique du français, Martin Riegel, Puf, 1996.
4. Grammaire systématique de la langue française, Christian Baylon, Nathan, 1995.
5. Grammaires, Préparation au concours de recrutement des professeurs..., Jacques Houyvet, ellipses, 1996.
۶. بررسی شاهکارها در زبان فارسی، نرگس روان پور، و ...، ۱۳۴۹.
۷. دریای گوهر، دکتر مهدی حمیدی، انتشارات امیرکبیر، جلد اوک، ۱۳۵۷.
۸. دستور زبان فارسی، دکتر پرویز ناتل خانلری، انتشارات توس، ۱۳۷۹.
۹. دستور زبان فارسی، دکتر محمد خزائلی و ...، انتشارات جاویدان، ۱۳۵۱.
۱۰. زبان و ادب فارسی، زیر نظر دکتر احمد محمدی، انتشارات دانشگاه آزاد، ۱۳۷۴.
۱۱. زبان و نگارش فارسی، دکتر حسن احمدی گوی و ...، انتشارات سمت، ۱۳۷۸.
۱۲. یک آسمان پرنده، فریدون مشیری، انتشارات دنیای کتاب، ۱۳۷۶.

Nous aimons
Donc nous sommes!

پانویس ها

1. Grammaire méthodique du français, Martin Riegel, Puf, 1996, p. 598.
2. Ibid., p. 597.
۳. زبان و ادب فارسی، زیر نظر دکتر احمد محمدی، انتشارات دانشگاه آزاد، ۱۳۷۴، ص ۴۳
۴. زبان و نگارش فارسی، دکتر حسن احمد گوی و ...، انتشارات سمت، ۱۳۷۸، ص ۱۲۶
۵. زبان و ادب فارسی ...، ص ۱۵۲
۶. بررسی شاهکارها در زبان فارسی، نرگس روان پور و ...، ۱۳۴۹، ص ۲۴
۷. زبان و نگارش فارسی ...، ص ۳۳
۸. لافونتن، شاعر فرانسوی قرن هفدهم:
Le chêne, un jour, dit au roseau
Vous avez bien sujet d'accuser la Nature;
Un roitelet pour vous est un pesant fardeau;
۹. زبان و نگارش فارسی ...، ص ۱۳۲
۱۰. دستور زبان فارسی، دکتر محمد خزائلی، انتشارات جاویدان، ۱۳۵۱، ص ۱۲۹
۱۱. بررسی شاهکارها ...، ص ۱۲۸
12. Maurice Grevisse, Le bon usage, Grammaire française, Duculot, 1969, p. 1137.
۱۳. دستور زبان فارسی، دکتر پرویز ناتل خانلری، انتشارات توس، ۱۳۷۹، ص ۲۴
۱۴. بررسی شاهکارها ...، ص ۲۹
15. Traduit par H.Massé, in Anthologie de la poésie persane, Z. Safâ, Gallimard, 1964, p. 230.
16. Ibid. p. 230
۱۷. «گرداب»، دریای گوهر، دکتر مهدی حمیدی، انتشارات امیرکبیر، جلد اول ۱۳۵۷، ص ۴۷۰-۴۶۹
18. Grammaires, Préparation au concours de recrutement des